

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 10.22034/ravanshenasi.2025.5002222

 20.1001.1.20081782.1404.18.4.6.7

Construction and validation of a self-deception questionnaire based on Islamic sources

Ramin Ezzattalab Moghadam /Master of Psychology, Institute of Ethics and Education

ezzattalab93@gmail.com

 Navid Khakbazan  / Assistant Professor, Department of Psychology, University of Religions and Sects

Received: 2025/06/22 - Accepted: 2025/11/05

n.khakbazan@urd.ac.ir

Abstract

The present article aims to design and validate a scale for measuring self-deception based on Islamic teachings. In the concept extraction stage, descriptive method and analysis of Islamic sources were used. Psychometric evaluation was conducted with the participation of 240 university students of the Velayat project. Face and content validity were assessed by experts and using CVI and CVR indices. The initial version included 115 items, which were reduced to 85 items after validity analysis. The validity of the scale was confirmed in the pilot and final stages with Cronbach's alpha coefficient (0.865 and 0.813), Spearman-Brown split-half coefficients (0.901 and 0.856), and Guttman coefficients (0.893 and 0.842). The correlation coefficient between the two halves was also high in both stages (0.815 and 0.796, respectively), indicating acceptable internal consistency. The final scale is a native instrument that is consistent with Islamic principles and includes the five main components of ignorance, desire for pleasures, individual deviation, egotism, and secrecy. The findings show that this instrument has desirable validity and reliability and can be used in personality psychology research, Islamic studies, and clinical interventions.


Keywords: Self-deception, test construction, content validity, face validity, Islamic sources, reliability, religious scale

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی

ezzattalab93@gmail.com

n.khakbazan@urd.ac.ir

رامین عزت‌طلب مقدم / کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه اخلاق و تربیت

نوید خاکبازان  استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

چکیده

مقاله حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خودفریبی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی انجام شده است. در مرحله استخراج مفاهیم، از روش توصیفی و تحلیل منابع اسلامی استفاده شد. ارزیابی روان‌سنجی با مشارکت ۲۴۰ دانشجوی طرح ولایت انجام شد. روایی صوری و محتوایی با نظر متخصصان و استفاده از شاخص‌های CVI و CVR ارزیابی گردید. نسخه اولیه شامل ۱۱۵ گویه بود که پس از تحلیل روایی، به ۸۵ گویه کاهش یافت. اعتبار مقیاس در مراحل آزمایشی و نهایی با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۶۵ و ۰/۸۱۳)، ضرایب دونیمه‌سازی اسپیرمن - براون (۰/۹۰۱ و ۰/۸۵۶) و ضرایب گاتمن (۰/۸۹۳ و ۰/۸۴۲) تأیید شد. ضریب همبستگی بین دو نیمه نیز در هر دو مرحله بالا بود (به ترتیب ۰/۸۱۵ و ۰/۷۹۶) که نشان‌دهنده انسجام درونی قابل قبول است. مقیاس نهایی، ابزاری بومی و متناسب با مبانی اسلامی است که شامل ۵ مؤلفه اصلی جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری است. یافته‌ها نشان می‌دهد این ابزار دارای روایی و اعتبار مطلوب بوده و می‌تواند در پژوهش‌های روان‌شناسی شخصیت، مطالعات اسلامی و مداخلات بالینی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: خودفریبی، آزمون‌سازی، روایی محتوایی، روایی صوری، منابع اسلامی، اعتبار، مقیاس دینی.

مفهوم «خود» در روان‌شناسی از جمله مباحث بنیادینی است که پس از یک دوره کم‌توجهی نسبی، در دهه‌های اخیر مجدداً جایگاه ویژه‌ای در ادبیات روان‌شناسی یافته است. بسیاری از اختلالات رفتاری شایع، با ساختار «خود» مرتبط دانسته می‌شوند و پژوهشگران در حوزه‌های نظری، بالینی و تربیتی به بررسی و تبیین ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند (Rosenberg, 1989). یکی از مفاهیم برجسته و قابل توجه در این زمینه، خودفریبی (Self deception) است که امروزه به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی شخصیت، مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است.

مسئله خودفریبی از جمله مفاهیم پیچیده و چالش‌برانگیز در حوزه علوم انسانی است که با ابعاد اساسی وجود انسان، همچون آگاهی، انگیزش، اختیار، سعادت و ارزش‌های اخلاقی پیوند دارد (Alston, 1985). این مفهوم در دهه‌های اخیر توجه فزاینده روان‌شناسی تجربی را به خود معطوف ساخته است (Vizgina, 2013)؛ به‌گونه‌ای که امروزه به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و قابل تأمل در روان‌شناسی تجربی مطرح می‌شود (Kruger & Dunning, 1999).

خودفریبی مفهومی ریشه‌دار و کهن است که پیشینه‌ای دیرینه در فلسفه کلاسیک دارد و از دوران تفکر یونانی هومر و افلاطون مطرح بوده است (Elster, 1999; Cowen, 2003). این موضوع همواره مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته و محور بسیاری از تأملات فلسفی و آثار تأثیرگذار در تاریخ اندیشه بوده است (لگنهاوزن، ۱۳۷۴). در ادبیات فلسفی غرب، اصطلاح Self-Deception به‌صورت گسترده تحلیل شده و دیدگاه‌های متعددی پیرامون چیستی، امکان و ابعاد آن ارائه شده است. باین‌حال، در میان رویکردهای مختلف، تفاوت‌ها و تنوع نظری محسوسی مشاهده می‌شود. افزون بر این، در تبیین ابعاد این مفهوم، به مباحث و یافته‌های روان‌شناسی نیز ارجاع داده شده و پیوندهای میان‌مضمونی آن با حوزه‌های روان‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است (Fingarette, 2000).

نخستین گام‌ها در مطالعه علمی خودفریبی در قالب نظریه‌های زیربنایی مکانیزم‌های دفاعی روانی، در آثار فروید (۱۹۳۶) برداشته شد. وی خودفریبی را در چارچوب ناهشیار و سازوکارهای دفاعی روان تبیین کرد. با وجود این، پس از فروید، بررسی این پدیده تا مدتی نسبتاً طولانی به‌صورت محدود ادامه یافت. با گذشت زمان، رویکردهای جدیدی برای تبیین علمی خودفریبی پدید آمد که یکی از برجسته‌ترین آنها را رابرت تریورز، زیست‌شناس تکاملی، ارائه کرد. وی پس از حدود سه دهه تحقیق، یافته‌های خود را درباره خودفریبی منتشر ساخت و آن را یکی از اجزای بنیادین در ارتباطات زیستی دانست. به باور او، پنهان‌سازی حقیقت از خود، امری بنیادی‌تر از پنهان‌سازی آن از دیگران است و نقشی انطباقی در بقا و تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند (Trivers, 2011).

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که خودفریبی ارتباط نزدیکی با حوزه شناخت و آگاهی دارد و آن را به‌عنوان نوعی توهم مثبت در نظر می‌گیرند (Taylor & Brown, 1988). کار (۲۰۰۵) خودفریبی را مجموعه‌ای از

باورهای سازمان‌یافته و منسجم تعریف می‌کند که به فرد امکان می‌دهد موقعیت‌هایی را که ممکن است در آنها با اطلاعات منفی درباره خود مواجه شود، پیش‌بینی کرده و راهبردهایی برای مواجهه با آنها طراحی نماید. میچل (۲۰۰۰) خودفریبی را پذیرش بدون بازبینی و کورکورانه اعتقادی می‌داند که جعلی بودن آن برای فرد روشن است. از دیدگاه مسیک و بازرمن (۱۹۹۶)، فریب خود عبارت است از ناآگاهی نسبت به فرایندهایی که منجر به شکل‌گیری اندیشه‌های انسان‌ها می‌شود.

در مقابل دیدگاه‌های شناخت‌محور، برخی پژوهشگران خودفریبی را با مقوله رفتار مرتبط می‌دانند و آن را نه صرفاً یک فرایند ذهنی، بلکه کنشی عملی و راهبردی در راستای حفظ ثبات «خود» و کسب یا نگهداشت یک باور، علی‌رغم وجود شواهد متضاد تلقی می‌کنند (Bagnoli, 2012). همچنین خیمنز و رویز (۲۰۱۴) خودفریبی را در قلمرو تمایلات و انگیزش‌ها طبقه‌بندی کرده‌اند. به باور آنها، خودفریبی نوعی تمایل غیرعمدی برای ارائه تصویری مطلوب از خوشتن است؛ تلاشی ناهشیار برای حفظ دیدگاهی دلخواه درباره خود، حتی در مواجهه با واقعیت‌های ناسازگار.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های روان‌شناسی در زمینه خودفریبی، تنها به برخی از ابعاد شناختی یا انگیزشی آن پرداخته و از ارائه تصویری جامع، منسجم و چندبعدی بازمانده‌اند. در مقابل، آموزه‌های اسلامی با برخورداری از پشتوانه غنی قرآنی و روایی، ظرفیت ویژه‌ای در تبیین این سازه دارند. در متون اسلامی، مفاهیمی همچون «تسویل»، «خداع»، «غرور»، «مکر» و «غش» بیانگر مفهوم خودفریبی می‌باشند. برای نمونه امام علی علیه السلام در روایتی در تعریف خداع می‌فرماید: «الْخِدَاعُ إِتْرَالُ الْغَيْرِ عَمَّا هُوَ بِصَدَدِهِ بِأَمْرِ يُبْدِيهِ عَلَى خِلَافِ مَا يُخْفِيهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ خداع، خواسته کسی را وارونه نشان دادن است، به اینکه حقیقت را از او پنهان نماید و غیرواقع را به جای واقع به او معرفی کند. همچنین وقتی سخن از صفات منافقان به میان می‌آید، یکی از صفات برجسته آنان، خودفریبی معرفی می‌شود. خدا در قرآن به صراحت می‌فرماید: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره: ۹)؛ (منافقین) می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ درحالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند (اما) نمی‌فهمند». همچنین کسانی که دچار انکار آیات الهی شده و کفر ورزیده‌اند نیز، گرفتار خودفریبی شده و می‌پندارند که در حال انجام اعمال خوب و پسندیده هستند (کهف: ۱۰۴)؛ چنانچه خاستگاه تمام انواع فریب‌ها، خودفریبی است و هر کس خدا یا مؤمنین را فریب دهد بازهم دچار خودفریبی شده است (انعام: ۱۲۳). متون اسلامی، برخلاف رویکردهای تک‌بعدی روان‌شناسی تجربی، به مسئله خودفریبی در ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری پرداخته و آن را یکی از موانع اصلی رشد و کمال انسان دانسته‌اند.

با وجود این ظرفیت، تا کنون پژوهش‌های اندکی به صورت نظام‌مند از این منابع برای مفهوم‌سازی یا سنجش خودفریبی بهره گرفته‌اند. هرچند برخی اندیشمندان اسلامی در ضمن آثار خود به این مفاهیم اشاره کرده‌اند، اما

بررسی‌ها بیشتر در قالب مباحث اخلاقی یا کلامی مطرح شده است. در اندیشه محققان اسلامی نیز، توجه به اهمیت این مسئله به چشم می‌خورد. مطهری (۱۳۹۳) با تأکید بر آیات و روایات در باب خودفریبی، آن را از آفات نفس آدمی برشمرده که بر اساس آن و با دخالت عامل درونی، حقایق بر انسان پوشیده می‌ماند و باطل در چهره حق جلوه می‌کند و به این ترتیب گاهی انسان از درون خویش فریب می‌خورد. همچنین جعفری (۱۳۹۶) خودفریبی را نوعی تخدیر روانی برای رهایی از اضطراب گناه دانسته و آن را زمینه تحقیر و زیرپا گذاشتن حدود و قوانین الهی قلمداد می‌کند. علامه طباطبائی (۱۴۱۷ق) نیز، خودفریبی را ناشی از گناه دانسته که در مرحله بعد منشأ گناهان دیگر می‌گردد. کلایی (۱۳۸۹) در بررسی‌های خود، مفهوم انکار حقیقت و غفلت نفس را نزدیک به خودفریبی تبیین نموده است. باین حال، این آثار غالباً به صورت محدود و بدون چارچوب روان‌شناختی و روان‌سنجی ارائه شده‌اند و از ارائه مدلی یکپارچه و عملیاتی برای سنجش خودفریبی بر اساس آموزه‌های اسلامی بازمانده‌اند.

در سال‌های اخیر، برخی پژوهشگران اسلامی کوشیده‌اند تا مفهوم خودفریبی را با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و آموزه‌های غنی اسلامی، در چارچوب رویکردهای روان‌شناختی مورد واکاوی قرار دهند. به‌عنوان نمونه، عزت‌طلب مقدم و همکاران (۱۳۹۷) در یک پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل روان‌شناختی خودفریبی بر اساس منابع اسلامی، تلاش کرده‌اند مؤلفه‌های این پدیده را از منظر اسلامی شناسایی و تبیین نمایند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که خودفریبی بر اساس منابع اسلامی شامل پنج مؤلفه اصلی است: جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری. همچنین بر اساس تحلیل روایی انجام‌شده این پژوهشگران خودفریبی را چنین تعریف می‌کنند: «نوعی نقص شناختی در فرد که موجب پنهان شدن حقیقت، ادراک اشتباه، تمایلات انحرافی و یا رفتارهایی می‌شود که حاصل آن، درست‌پنداری نادرست است».

از سوی دیگر، در حوزه روان‌شناسی تجربی نیز تلاش‌هایی در راستای مفهوم‌سازی و سنجش خودفریبی صورت گرفته است. این تلاش‌ها عمدتاً بر طراحی ابزارهای روان‌سنجی متمرکز بوده و به سنجش این پدیده به‌عنوان یک سازه مستقل یا در قالب خرده‌مقیاس در ابزارهای موجود پرداخته‌اند. بر اساس جست‌وجوهای انجام‌شده توسط پژوهشگر، تا کنون پنج پرسش‌نامه برای سنجش مستقیم خودفریبی در روان‌شناسی شناسایی شده است. پرسش‌نامه‌ها عبارت‌اند از: پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی SDQ توسط گور و ساکیم (۱۹۷۹)، پرسش‌نامه متوازن ۴۰ گویه‌ای گرایش به دادن پاسخ‌های اجتماعی مطلوب (BIDR) پولهاس (۱۹۹۴)، مقیاس خودفریبی SIRVENT (بلانکو، لویز و سیرونت، ۲۰۰۷)، پرسش‌نامه خودفریبی و پیچیده‌سازی (IAM-40) (Jiménez & Ruiz, 2014) و پرسش‌نامه خودفریبی BIDR-16 (Hart & et al., 2015).

برای نخستین بار، پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی SDQ توسط گور و ساکیم (۱۹۷۹) با هدف سنجش میزان تمایل

فرد به مشارکت در رفتارهای خودفریبانه و به صورت مستقل از سازوکارهای مدیریت برداشت اجتماعی طراحی شد. پرسش‌نامه ۴۰ گویه‌ای «پاسخ‌دهی اجتماعی مطلوب» که توسط پولهااس (۱۹۹۴) با عنوان *Balanced Inventory of Desirable Responding (BIDR)* تدوین شده، یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین ابزارها برای سنجش گرایش به خودفریبی با هدف ارزیابی ساختارهای شخصیتی و انگیزشی محسوب می‌شود (ویزگینا، ۱۳۹۲). این مقیاس بر پایه دو سازه اصلی شکل گرفته است: مدیریت برداشت (*Impression Management*) و خودفریبی. مدیریت برداشت به تلاش آگاهانه فرد برای ارائه تصویری اجتماعی از خود اطلاق می‌شود که بیشترین مقبولیت را نزد دیگران دارد؛ درحالی‌که مؤلفه خودفریبی، بازنمایی درونی نادقیق اما صادقانه از خود است که با هدف حفظ خودپنداره مثبت و تقویت عزت‌نفس رخ می‌دهد (Jiménez & Ruiz, 2014).

سیرونت و همکاران (۲۰۱۹) نیز پرسش‌نامه ۱۲ سؤالی خودفریبی (*SDQ-12*) را معرفی کرده‌اند که از اعتبار و ساختار عاملی مطلوب برخوردار بوده است. این مقیاس سه عامل اصلی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد: دست‌کاری (یعنی تلاش برای تأثیرگذاری بر احساسات و نگرش‌های دیگران به منظور کسب منافع شخصی)، تکرار (یعنی تکرار اشتباهات ناشی از الگوهای خودفریبانه)، و اجتناب (پرهیز از مواجهه با واقعیات ناخوشایند) (Blanco, López & Sirvent, 2007).

پرسش‌نامه *IAM-40*، به‌عنوان یکی از ابزارهای معتبر سنجش خودفریبی پاتولوژیک، به‌طور خاص به ارزیابی دو جنبه آسیب‌شناختی این سازه می‌پردازد: نخست، ناتوانی فرد در تشخیص پیامدهای منفی رفتار خویش؛ و دوم، گرفتار شدن در تخیلات تحریف‌شده‌ای که به‌گونه‌ای افراطی بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارند. در نهایت، پرسش‌نامه خودفریبی ۱۶ سؤالی (*BIDR-16*)، نسخه کوتاه‌شده و نهایی پرسش‌نامه متوازن گرایش به پاسخ‌های اجتماعی مطلوب پولهااس، با حفظ ساختار دو عاملی (خودفریبی به‌عنوان ابزاری برای بهبود عملکرد و مدیریت تصور) و اعتبار و روایی مناسب، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ توسعه یافته است (Hart & et al., 2015). علاوه بر این، خودفریبی به‌عنوان خرده‌مقیاسی در برخی آزمون‌های شخصیت نیز اندازه‌گیری شده است؛ برای مثال در آزمون شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا (*MMPI* و *MMPI2*)، مقیاس *S* و *K* جهت سنجش خودفریبی به‌کار گرفته می‌شود (Weiner & Greene, 2008).

یکی از محدودیت‌های مهم این ابزارهای سنجش، مبتنی بودن آنها بر زمینه‌های فرهنگی خاص، به‌ویژه فرهنگ غربی است؛ بنابراین این پرسش‌نامه‌ها ممکن است فاقد اعتبار و روایی کافی در فرهنگ‌های دینی و غیرغربی بوده و نتوانند به‌درستی ابعاد خودفریبی را در این جوامع اندازه‌گیری کنند.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، تا کنون در ایران مقیاس مستقلی برای سنجش خودفریبی مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی طراحی و تدوین نشده است. با توجه به ضرورت طراحی ابزارهای روان‌شناختی متناسب با بافت فرهنگی و ارزش‌های دینی جامعه اسلامی، و نیز با در نظر گرفتن نگرش متمایز اسلام به ساختار روان و نظام

معرفتی انسان، ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خودفریبی از منظر آموزه‌های دینی امری ضروری و انکارناپذیر است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر تدوین و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه «خودفریبی» با اتکا بر مفاهیم برگرفته از منابع اسلامی است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است. به‌منظور ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس طراحی‌شده، از روش پیمایشی بهره گرفته شد. این مرحله شامل بررسی روایی صوری و محتوایی با مشارکت خبرگان و تحلیل آماری داده‌های حاصل از اجرای پرسش‌نامه در نمونه‌ای از دانشجویان بود.

در مرحله نخست، جامعه خبرگانی پژوهش را متخصصان آشنا با روان‌شناسی و علوم اسلامی تشکیل دادند. از میان آنان، یازده نفر از کارشناسان واجد صلاحیت به‌صورت هدفمند انتخاب شدند و جداول گویه‌ها به همراه مستندات دینی در اختیار ایشان قرار گرفت. این گروه، میزان انطباق، ضرورت و وضوح هر گویه را بر اساس مقیاس‌های CVI و CVR ارزیابی کردند.

در مرحله دوم، جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان شرکت‌کننده در طرح و ولایت مرکز آموزش‌های آزاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۹۷ بودند که تعداد تقریبی آنان حدود ۶۰۰ نفر برآورد شد. اجرای میدانی پرسش‌نامه در این جامعه، مبنای تحلیل‌های آماری برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار قرار گرفت.

حجم نمونه با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و متناسب با جامعه‌ای با حجم ۶۰۰ نفر، برابر با ۲۳۴ نفر تعیین گردید. باین‌حال، با توجه به اینکه افزایش حجم نمونه موجب کاهش میزان خطای نمونه‌گیری می‌شود (بیابانگرد، ۱۳۹۰)، در این پژوهش حجم نمونه نهایی برابر با ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شد تا دقت تحلیل‌ها افزایش یابد.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه سنجش خودفریبی برای نخستین‌بار در این پژوهش، با استناد به منابع اسلامی، توسط پژوهشگر طراحی و تدوین گردیده است. این ابزار با هدف ارزیابی میزان خودفریبی بر مبنای مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون دینی ساخته شده و فرایند طراحی، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی، در شش مرحله نظام‌مند به شرح ذیل انجام پذیرفت.

مرحله اول: طراحی گویه‌های پرسش‌نامه بر اساس منابع اسلامی

در این مرحله، به‌منظور سنجش و اندازه‌گیری میزان خودفریبی بر اساس مؤلفه‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی، نسخه اولیه پرسش‌نامه طراحی و تدوین شد. نسخه اولیه مقیاس خودفریبی از منظر اسلام

مشمول بر ۱۱۵ گویه بود که با استفاده از مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) تنظیم گردید.

مرحله دوم: ارائه پرسش‌نامه همراه با مستندات دینی به کارشناسان حوزه روان‌شناسی و علوم اسلامی برای ارزیابی روایی صوری و محتوایی

برای بررسی نسبت روایی محتوایی (Content validity ratio) و شاخص روایی محتوا (Content validity index) پرسش‌نامه، جدول مربوط به گویه‌ها به همراه مستندات دینی آنها در اختیار یازده نفر از صاحب‌نظران دارای تخصص هم‌زمان در دو حوزه روان‌شناسی و علوم اسلامی قرار گرفت. هدف از این مرحله، ارزیابی میزان انطباق هر گویه با مستند دینی مربوطه و نیز میزان پوشش‌دهی مفهومی هر گویه نسبت به مؤلفه مورد نظر بود.

برای سنجش روایی محتوایی گویه‌های پرسش‌نامه، نظرات کارشناسان متخصص جمع‌آوری شد. از ارزیابان خواسته شد میزان تطابق هر گویه با مستند دینی مربوط و مؤلفه نظری متناظر آن را، با توجه به نوع و سطح دلالت مستندات، در قالب یک مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای ارزیابی کنند. این مقیاس شامل گزینه‌های «خیلی زیاد = ۴»، «زیاد = ۳»، «کم = ۲» و «خیلی کم = ۱» بود.

در فرآیند سنجش روایی صوری، به‌منظور شناسایی، اصلاح یا حذف گویه‌های نامناسب و نیز تعیین میزان اهمیت و وضوح هر یک از آیتم‌ها، از شاخص‌های «ضروری بودن» و «شفافیت و وضوح مفهومی» استفاده شد. برای این منظور، برای هر گویه، مقیاس لیکرت سه‌درجه‌ای در نظر گرفته شد که شامل گزینه‌های «کاملاً» (نمره ۳)، «تا حدودی» (نمره ۲) و «اصلاً» (نمره ۱) بود.

داده‌های حاصل از این ارزیابی، به‌منظور تحلیل روایی محتوایی و صوری مورد استفاده قرار گرفت و شاخص‌های کمی مربوط به روایی نظیر نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی صوری (CVI) برای هر گویه محاسبه شد. نتایج حاصل، مبنای تصمیم‌گیری درباره نگره داشتن، اصلاح یا حذف گویه‌ها در نسخه نهایی پرسش‌نامه قرار گرفت.

مرحله سوم: انتخاب گویه‌های مناسب بر اساس شاخص‌های روایی

نتایج بررسی روایی محتوایی و صوری گویه‌های پرسش‌نامه خودفریبی با مشارکت کارشناسان روان‌شناس آشنا با منابع اسلامی، نشان داد که ۱۴ گویه به دلیل پایین بودن شاخص‌های CVR و CVI، و ۹ گویه صرفاً به دلیل پایین بودن CVR، فاقد روایی لازم بوده و حذف شدند. در نهایت، نسخه ۹۲ سؤالی پرسش‌نامه برای اجرای مرحله آزمایشی آماده شد.

مرحله چهارم: اجرای آزمایشی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه

پس از بررسی و اعمال نظرات صاحب‌نظران، پرسش‌نامه نهایی جهت اجرای آزمایشی و ارزیابی مشخصات روان‌سنجی شامل اعتبار و روایی آماده گردید. محقق پس از ارزیابی روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامه اولیه

۱۱۵ سؤالی و انتخاب ۹۲ سؤال، فرم پرسش‌نامه ۹۲ سؤالی را بر روی نمونه‌ای شامل ۳۰ نفر از طلاب حوزه علمیه قم به صورت آزمایشی اجرا نمود. پس از انجام تحلیل‌های آماری و بررسی نتایج، هفت گویه با شماره‌های ۱۹، ۳۵، ۵۵، ۶۳، ۷۹، ۸۸ و ۱۰۰ به دلیل افزایش ضریب آلفای کرونباخ و ارتقای اعتبار ابزار، حذف شدند. در نهایت، فرم نهایی پرسش‌نامه خودفریبی شامل ۸۵ سؤال گردید.

مرحله پنجم: شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه

این ابزار پژوهشی مبتنی بر منابع دینی و اسلامی تدوین شده و به صورت مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای طراحی گردیده است. دامنه پاسخ‌ها شامل گزینه‌های «کاملاً موافق» (۴)، «موافق» (۳)، «بی‌نظر» (۲)، «مخالف» (۱) و «کاملاً مخالف» (۰) می‌باشد. در این پرسش‌نامه، برای آیتم‌های شماره ۲، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۹، ۴۳، ۴۶، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۳ و ۸۵ نمره‌گذاری به صورت معکوس صورت می‌پذیرد.

حداقل نمره در این ابزار صفر و نشان‌دهنده میزان پایین خودفریبی و حداکثر نمره ۳۴۰ بوده که بیانگر سطح بالای خودفریبی است. به عبارت دیگر، این پرسش‌نامه دارای پیوستاری گسترده است که نمرات افراد روی آن در بازه صفر تا ۳۴۰ قرار می‌گیرد و موقعیت عددی هر فرد روی این پیوستار نمایانگر میزان خودفریبی وی است.

مرحله ششم: اجرای نهایی پرسش‌نامه

پس از تعیین روایی و اعتبار ابزار و انجام اصلاحات لازم بر اساس نظرات خبرگان و تحلیل‌های آماری، نسخه نهایی پرسش‌نامه تدوین گردید. در این مرحله، پرسش‌نامه در جامعه آماری مورد نظر اجرا شد و داده‌های حاصل، مبنای تحلیل‌های نهایی برای ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار قرار گرفت.

روش‌های تحلیل داده‌ها

در این مطالعه، داده‌ها با بهره‌گیری از شاخص‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفتند. در بخش توصیفی، از جداول توزیع فراوانی به همراه شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات) برای تلخیص و نمایش داده‌ها استفاده شد. همچنین به منظور ارزیابی میزان توافق نظر متخصصین در خصوص روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه، از ضریب روایی نسبی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) بهره گرفته شده است. همچنین اعتبار مقیاس با استفاده از سه روش به صورت پیوسته ارزیابی گردید: همسانی درونی با ضریب آلفای کرونباخ، دونیمه‌سازی با ضریب اسپیرمن - براون، و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن.

روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، با استناد به آیات قرآن کریم، روایات معصومان علیهم‌السلام و منابع روان‌شناختی مرتبط - به‌ویژه ادبیات آزمون‌سازی

و بر اساس مؤلفه‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی، ابزار اولیهٔ سنجش خودفریبی طراحی و تدوین گردید. به‌منظور گردآوری داده‌ها، پژوهشگر با مراجعه به کلاس‌های طرح ولایت در مرکز آموزش‌های آزاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، نمونهٔ آماری پژوهش را انتخاب نمود. پیش از توزیع پرسش‌نامه، هدف پژوهش و شیوهٔ پاسخ‌دهی برای شرکت‌کنندگان تشریح شد و نسخهٔ مکتوب راهنمای تکمیل پرسش‌نامه نیز در اختیار آنان قرار گرفت. از آزمودنی‌ها خواسته شد پس از مطالعهٔ دقیق دستورالعمل، به گویه‌ها پاسخ داده و اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل سن، جنسیت، مقطع و رشتهٔ تحصیلی و وضعیت تأهل را در فرم مربوطه درج نمایند. در مجموع، تعداد ۲۴۰ پرسش‌نامه تکمیل شده جمع‌آوری گردید و داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نمره‌گذاری و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

جهت سنجش روایی پرسش‌نامه، دو رویکرد روایی محتوایی و روایی صوری مورد استفاده قرار گرفت که نتایج آن به شرح ذیل ارائه می‌شود.

الف) تحلیل داده‌های مربوط به روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامهٔ خودفریبی

نتایج مربوط به بررسی روایی محتوایی و روایی صوری گویه‌های پرسش‌نامهٔ خودفریبی بر اساس منابع اسلامی، با استفاده از ارزیابی صاحب‌نظران روان‌شناس آگاه به منابع اسلامی، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: گویه‌های حذف‌شده در روایی محتوایی و صوری

علت حذف گویه	گویه‌های حذف‌شده
پایین بودن CVI و CVR	۱۰۴-۱۰۳-۹۵-۸۷-۷۲-۶۱-۵۶-۵۴-۴۹-۴۱-۳۴-۱۱-۵-۲
پایین بودن CVR	۱۰۲-۹۶-۶۲-۵۹-۵۱-۴۷-۳۹-۳۳-۱۴

جدول (۱) نشان می‌دهد که ۱۴ گویه به دلیل پایین بودن هم‌زمان شاخص‌های CVI و CVR، و ۹ گویه صرفاً به دلیل پایین بودن مقدار CVR بر اساس انطباق با جدول لاوشه (Lawshche)، فاقد روایی لازم تشخیص داده شدند و از نسخهٔ اولیهٔ پرسش‌نامه حذف گردیدند.

برای اعتباریابی اولیهٔ مقیاس، از روش محاسبهٔ آلفای کرونباخ (ضریب هم‌سانی درونی)، ضریب همبستگی اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن استفاده شد. نتایج ضریب همسانی درونی و دونیمه‌سازی ارائه می‌شود

جدول ۲: بررسی آلفای کرونباخ در اعتبار اولیه

آلفای کرونباخ	جمع گویه‌ها
۰/۸۱۳	۹۲

نتایج حاصل از تحلیل اولیه اعتبار پرسش‌نامه (جدول ۲) نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱۳ به دست آمد. این مقدار نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب گویه‌ها و برخورداری ابزار از سطح مناسبی از اعتبار است

جدول ۳: آماره‌های اعتبار پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی در مرحله آزمایشی

۰/۷۱۴	مقدار آلفا	نیمه اول	آلفای کرونباخ
۴۶	تعداد گویه‌ها		
۰/۶۵۳	مقدار آلفا	نیمه دوم	
۴۶	تعداد گویه‌ها		
۰/۸۵۶	در صورت تساوی تعداد گویه‌ها		دو نیمه‌سازی اسپیرمن - براون
۰/۸۵۶	در صورت عدم تساوی تعداد گویه‌ها		
۰/۸۴۲	ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن		
۰/۷۹۶	همبستگی بین دو فرم		
۹۲	تعداد گویه‌ها		

همان‌طور که در جدول (۳) نشان داده شده است، ضریب آلفای کرونباخ برای نیمه اول پرسش‌نامه ۰/۷۱۴ و برای نیمه دوم ۰/۶۵۳ به دست آمد. ضریب دو نیمه‌سازی اسپیرمن - براون برابر با ۰/۸۵۶ و ضریب گاتمن معادل ۰/۸۴۲ محاسبه شد. همچنین ضریب همبستگی بین دو فرم در اجرای آزمایشی ۰/۷۹۶ گزارش گردید. این نتایج حاکی از آن است که مقیاس خودفریبی مبتنی بر منابع اسلامی در مرحله آزمایشی، از همسانی درونی و اعتبار قابل قبولی برخوردار است.

همچنین بررسی گویه‌های پرسش‌نامه نشان داد که اغلب آنها دارای همبستگی مطلوبی با نمره کل آزمون بوده و حذف آنها منجر به کاهش یا عدم تغییر معنادار در ضریب آلفای کرونباخ می‌شود. با این حال، ۷ گویه به دلیل برخورداری از همبستگی پایین با نمره کل و نیز افزایش ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف، از نسخه اولیه کنار گذاشته شدند (به منظور رعایت اختصار، جدول مربوط ارائه نمی‌شود). بنابراین نسخه نهایی پرسش‌نامه با حذف این گویه‌ها، از همسانی درونی بالاتری برخوردار شد.

ب) ارزیابی اعتبار مقیاس در مرحله نهایی

پس از محاسبه اعتبار اولیه آزمون، ۸۵ سؤال در قالب نسخه نهایی پرسش‌نامه تدوین گردید و جهت بررسی اعتبار نهایی بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۴۰ نفر اجرا شد. برای سنجش اعتبار نهایی ابزار، از روش همسانی درونی استفاده گردید. به همین منظور، ضرایب آلفای کرونباخ (ضریب همسانی درونی)، ضریب همبستگی اسپیرمن - براون، و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن محاسبه شد. نتایج این تحلیل‌ها در جدول (۴) ارائه شده است

جدول ۴: آلفای کرونباخ در اعتبار سنجی نهایی

تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۸۵	۰/۸۶۵

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه خودفریبی در مرحله اعتبارسنجی نهایی برابر با ۰/۸۶۵ است. این مقدار بیانگر سطح مطلوب همسانی درونی پرسش‌نامه و نشان‌دهنده اعتبار مناسب آن در سنجش سازه مورد نظر می‌باشد.

جدول ۵: ضریب‌های همسانی درونی و دونیمه‌سازی در مرحله نهایی

آلفای کرونباخ	نیمه اول	مقدار آلفا	۰/۷۳۶
		تعداد گویه‌ها	۴۳
	نیمه دوم	مقدار آلفا	۰/۶۹۱
		تعداد گویه‌ها	۴۲
ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن - براون	در صورت تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۹۰۱
	در صورت عدم تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۹۰۱
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن			
همبستگی بین دو فرم			
تعداد گویه‌ها			
			۸۵

همان‌طور که در جدول (۵) آمده است، ضریب آلفای کرونباخ برای نیمه اول پرسش‌نامه برابر با ۰/۷۳۶ و برای نیمه دوم برابر با ۰/۶۹۱ می‌باشد. ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن - براون نیز در مرحله نهایی معادل ۰/۹۰۱ و ضریب گاتمن برابر با ۰/۸۹۳ گزارش شده است. همچنین ضریب همبستگی بین دو فرم پرسش‌نامه در اجرای نهایی ۰/۸۱۵ به دست آمده است. این نتایج، همانند مرحله آزمایشی، نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب و اعتبار مناسب پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی در مرحله نهایی می‌باشند. همچنین تمام مواد ۸۵ گانه پرسش‌نامه با نمره کل، همبستگی بالایی داشته و هیچ‌کدام از گویه‌ها قابل حذف نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی مقیاس خودفریبی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی انجام گرفت. این مقیاس تلاش دارد یکی از مفاهیم پیچیده روان‌شناختی، یعنی خودفریبی را با استناد به منابع دینی - به‌ویژه قرآن و روایات - به‌گونه‌ای سنجش‌پذیر بازتعریف کند. بررسی‌های آماری نشان داد که ابزار طراحی شده دارای

ویژگی‌های روان‌سنجی مناسب، از جمله اعتبار بالا و روایی محتوایی و صوری مطلوب است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری معتبر برای سنجش این سازه در پژوهش‌های روان‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد.

از منظر ساختاری، پرسش‌نامه حاضر پنج مؤلفه اصلی خودفریبی را شامل می‌شود: جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری. این مؤلفه‌ها با تحلیل کیفی آیات و روایات و با مشارکت متخصصان روان‌شناسی و علوم اسلامی استخراج شده‌اند. این مقیاس، برخلاف مقیاس‌های غربی که عموماً بر ابعاد شناختی (مانند مدیریت برداشت در BIDR) تأکید دارند، نشان‌دهنده رویکردی چندبعدی هستند که هم جنبه‌های معرفتی (جهل‌ورزی) و هم جنبه‌های هیجانی - انگیزشی (تمایل به خوشایندها و خودبینی) و رفتاری (پنهان‌کاری و انحراف فردی) را دربر می‌گیرند. برتری این رویکرد در مقایسه با سایر ابزارهای موجود، در جامعیت و عمق مفهومی آن است که تلاش کرده از برداشت‌های صرفاً شناختی یا رفتاری از خودفریبی فراتر رود و لایه‌های انگیزشی و هیجانی این پدیده را نیز در نظر بگیرد.

در بررسی تطبیقی با ابزارهای پیشین نیز، می‌توان گفت که پرسش‌نامه SDQ (Gur & Sackeim, 1979) یکی از نخستین تلاش‌ها برای سنجش خودفریبی بوده که صرفاً میزان تمایل فرد به پذیرش باورهای غیرواقعی را می‌سنجد. این مقیاس، هرچند نقطه آغاز مطالعات تجربی در این زمینه است، اما ابعاد انگیزشی و رفتاری خودفریبی را نادیده گرفته است؛ درحالی‌که مقیاس حاضر با افزودن مؤلفه‌هایی مانند «جهل‌ورزی»، «انحراف فردی» و «پنهان‌کاری»، ساختاری عمیق‌تر ارائه می‌دهد.

مقیاس BIDR (Paulhus, 1994) نیز اگرچه از نظر روان‌سنجی بسیار پرکاربرد است، اما بیشتر به سنجش مدیریت برداشت اجتماعی و خودفریبی افزایشی می‌پردازد و در عمل با تمایل به پاسخ‌دهی اجتماعی مطلوب همبستگی بیشتری دارد تا با تحلیل دقیق از خودفریبی. در مقابل، مقیاس اسلامی حاضر، مؤلفه‌هایی را لحاظ کرده که بازتابی از نگرش دینی به خطاهای شناختی و رفتاری است و فراتر از سنجش صرف «پاسخ اجتماعی مطلوب» عمل می‌کند.

در همین راستا، IAM-40 (Jiménez & Ruiz, 2014) به جنبه‌های بالینی خودفریبی همچون دست‌کاری، اجتناب و تخیلات واهی توجه دارد، اما محدود به جمعیت معتادان طراحی شده و قابلیت تعمیم به جمعیت عمومی یا فرهنگ‌های متفاوت را ندارد. نقطه قوت IAM-40 پرداختن به جنبه‌های بالینی خودفریبی است، اما محدودیت آن در کاربرد عمومی و بین‌فرهنگی است. در مقایسه، ابزار طراحی‌شده در این پژوهش نه‌تنها توانایی کاربرد در جمعیت‌های عمومی و پژوهشی را دارد، بلکه با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی نیز همخوانی دارد.

مقیاس SIRVENT (۱۹۹۱) نیز عمدتاً در فضای بالینی و در زمینه سوء‌مصرف مواد به کار رفته و بر الگوهای فریب‌کارانه و توجیه‌گری بیماران تمرکز دارد. در مقابل، مقیاس اسلامی خودفریبی، به‌جای محدود شدن به جمعیت‌های

بالینی، رویکردی عمومی‌تر دارد و درعین‌حال، با اتکا به منابع دینی، عمق بیشتری از خودفربیی ارائه می‌دهد. در مجموع، مرور مقیاس‌های غربی نشان می‌دهد که بیشتر آنها یا تک‌بعدی‌اند یا به زمینه‌های خاص جمعیتی محدود می‌شوند. همچنین این مقیاس از لحاظ ساختار اجرا (۸۵ گویه در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای) ساده، زمانمند و برای موقعیت‌های مختلف قابل استفاده است. برخلاف برخی مقیاس‌های خارجی که به ترجمه وابسته‌اند و ممکن است با ابهام‌های معنایی مواجه باشند، اما این ابزار از ابتدا به زبان فارسی طراحی شده و مبتنی بر مفاهیم بومی استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داد که همسانی درونی و ثبات پرسش‌نامه از مرحله آزمایشی تا مرحله نهایی تقریباً پایدار بوده است. این امر می‌تواند بیانگر آن باشد که مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون اسلامی از همان ابتدا دارای انسجام مفهومی بالایی بوده و بازتاب‌دهنده یک ساختار نظری قوی هستند. به بیان دیگر، پایداری شاخص‌های روان‌سنجی بین دو مرحله را می‌توان به غنای مبانی نظری اسلامی در تبیین خودفربیی نسبت داد. نکته مهم دیگر این است که هرچند نمونه مورد بررسی در این پژوهش از میان دانشجویان انتخاب شده، اما محتوای مفهومی پرسش‌نامه به‌گونه‌ای طراحی شده که قابلیت اجرا و تفسیر در میان سایر اقشار جامعه را نیز دارد. با این حال، پیشنهاد می‌شود برای افزایش اعتبار بیرونی و فراهم شدن امکان تحلیل عاملی تأییدی، اجرای این مقیاس در جمعیت‌های متنوع‌تر نیز در پژوهش‌های آتی دنبال شود.

از دیگر محدودیت‌های پژوهش، عدم امکان اجرای هم‌زمان این پرسش‌نامه با ابزارهای موجود روان‌شناسی مانند BIDR یا IAM-40 بود. به علت مشکلات دسترسی، امکان تحلیل همبستگی هم‌زمان این ابزار با سایر مقیاس‌ها فراهم نشد. با این حال، یکی از پیشنهادهای اصلی برای تحقیقات آینده، بررسی همبستگی بین این مقیاس و ابزارهای روان‌شناختی استاندارد در حوزه‌های مرتبط است.

از نظر کاربردی، مقیاس حاضر می‌تواند در حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. در روان‌شناسی بالینی، امکان سنجش خودفربیی به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز اختلالات شناختی، هیجانی و رفتاری فراهم می‌شود. در روان‌شناسی تربیتی، می‌توان از آن برای شناسایی گرایش‌های خودفربیان در میان دانش‌آموزان و دانشجویان بهره گرفت و بر اساس آن مداخلات آموزشی و تربیتی طراحی کرد. همچنین در مطالعات اخلاق اسلامی، این مقیاس می‌تواند ابزار مهمی برای بررسی پیوند میان مفاهیم اخلاقی و روان‌شناختی باشد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که مقیاس خودفربیی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، گامی مهم در مسیر بومی‌سازی ابزارهای روان‌سنجی است. این ابزار توانسته است تصویری چندبعدی و عمیق از خودفربیی ارائه کند که هم به جنبه‌های شناختی و هم به ابعاد انگیزشی و رفتاری آن توجه دارد. چنین رویکردی می‌تواند در توسعه روان‌شناسی اسلامی نقش کلیدی ایفا کند و در کنار ابزارهای موجود، جایگاه مستقلی برای مطالعه و مداخله در حوزه‌های مرتبط با خودفربیی بیابد.

منابع

قرآن کریم.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: دوران.

پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۳). فرهنگ‌سازی و دستاوردهای فرهنگ‌ی در پاسخ‌گویی نظام‌مند. پژوهش‌های اجتماعی - اسلامی، ۱۰(۴۹ و ۵۰)، ۳۰۲-۲۷۵.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۶). انسان‌شناسی از منظر نو. پایگاه اینترنتی تنظیم و نشر آثار علامه جعفری.

www.ostad-jafari.com.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عزت‌طلب مقدم، رامین، پسندیده، عباس و رفیعی‌هنر، حمیدرضا (۱۳۹۷). مفهوم‌شناسی خودفریبی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۱۰)، ۶۵-۳۹.

کلایی، مرضیه (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی خودفریبی در فلسفه اخلاق غرب و آموزه‌های دینی اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه. دانشگاه قم.

لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۴). دروغ‌گویی و راست‌گویی در فلسفه اخلاق. معرفت، ۴(۱۵)، ۳۵-۳۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). *انسان کامل*. تهران: صدرا.

Alston, W. P. (1985). *Concepts of epistemic justification*. *The Monist*, 68, 57-89.

Bagnoli, C. (2012). Self-Deception and Agential Authority A Constitutivist Account. *Humana. Mente*, 20, 93-116.

Blanco, P., López, B. & Sirvent, C. (2007). *Psicopatología del autoengaño en adictos*. *In 8º Congreso Virtual de Psiquiatría Interpsiquis*.

Boyd, K. (2012). *Self-deception*. *In The Stanford Encyclopedia of Philosophy*.

Carr, A. (2005). Positive psychology. *Clinical Psychology Forum*, 45, 94-97.

Collins, K. A. (2000). *Interpreting the MMPI-2 K scale: Self-deception and impression management revisited*. University of Windsor, Canada. [Unpublished thesis].

Cowen, T. (2003). *Self-deception as the root of political failure*. Department of Economics, George Mason University. [Working paper].

Elster, J. (1999). *Alchemies of the mind: Rationality and the emotions*. Cambridge University Press.

Fingarette, H. (2000). *Self-deception*. University of California Press.

- Freud, S. (1936). *The ego and the mechanisms of defense*. International Universities Press.
- Goleman, D. (1996). *Vital lies, simple truths: The psychology of self-deception*. Simon & Schuster.
- Gur, R. C. & Sackeim, H. A. (1979). Self-Deception Questionnaire. Self-deception: A concept in search of a phenomenon. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37, 147-169.
- Hart, C. M., Ritchie, T. D., Hepper, E. G. & Gebauer, J. E. (2015). The Balanced Inventory of Desirable Responding short form (BIDR-16). *SAGE Open*, 5(4).
- Jiménez, M. de la V. M. & Ruiz, C. S. (2014). Evaluation of self-deception: Validation of the IAM-40 inventory. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 14(2), 203-216.
- Krejcie, R.V. and Morgan, D.W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Kruger, J. & Dunning, D. (1999). Unskilled and unaware of it: How difficulties in recognizing one's own incompetence lead to inflated self-assessments. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(6), 1121-1134.
- Messick, D. M. & Bazerman, M. H. (1996). Ethical leadership and the psychology of decision making. *Sloan Management Review*, 37(2), 9-22.
- Mijović-Prelec, D. & Prelec, D. (2010). Self-deception as self-signaling: A model and experimental evidence. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 365(1538), 227-240.
- Mitchell, J. (2000). *Living a lie: Self-deception, habit, and social roles*. *Human Studies*, 23, 145-156.
- Paulhus, D. L. (1994). *Balanced inventory of desirable responding (BIDR): Reference manual for version 6*. Unpublished manuscript, University of British Columbia.
- Rosenberg, M. (1989). Self-concept research: A historical overview. *Social Forces*, 68(1), 34-44.
- Sirvent, C., Herrero, J., de la Villa Moral, M. & Rodríguez, F. J. (2019). Evaluation of self-deception: Factorial structure, reliability and validity of the SDQ-12. (self-deception questionnaire). *PloS one*, 14(1), 1-10.

Taylor, S. E. & Brown, J. D. (1988). Illusion and well-being: A social psychological perspective on mental health. *Psychological Bulletin*, 103(2), 193-210.

Trivers, R. (2011). *The folly of fools: The logic of deceit and self-deception in human life*. Basic Books.

Vizgina, A. (2013). Self-deception as inner dialogue. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 86, 242-247.

Weiner, I. B. & Greene, R. L. (2008). *Handbook of personality assessment*. Wiley.